

آیا تبعیض جنسیتی عامل بازدارنده رشد اقتصادی کشورهاست؟

تیمور رحمانی^{۱*}، سپیده کاوه^۲

۱. دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران trahmani@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس sepidehkaveh@ut.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۳/۵/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۱۴

چکیده

دست‌یابی به رشد اقتصادی و افزایش سطح زندگی و رفاه عمومی همواره جزو اهدافی است که دولت‌های مختلف جهان در پی آن‌اند؛ در مطالعات اقتصادی، شناسایی عواملی که رسیدن به این اهداف را تسهیل می‌کند نقش بسزایی دارد. سؤال بحث‌برانگیزی که اقتصاددانان درباره آن اختلاف‌نظر دارند و در این مطالعه بدان پرداخته شده این است که آیا نابرابری جنسیتی موجب کاهش رشد و توسعه اقتصادی می‌شود؟ و آیا مسئله جنسیت در اقتصاد کلان عاملی مهم و اثرگذار بر رشد و توسعه کشورهاست؟ دو جنس زن و مرد در سه بُعد جسمانی، روانی و استعداد وجه تمایزهای احتمالی دارند. از نظر توان بدنی، جنس مذکر از همه موجودات زنده قوی‌تر است. در مورد سایر توانایی‌ها، در این مطالعه، از این فرضیه که زنان و مردان در توانمندی‌های هوشی و روانی اختلاف معناداری ندارند استفاده شد. در این مطالعه، نخست ابعاد مختلف تبعیض جنسیتی - شامل تبعیض جنسیتی در آموزش، تبعیض جنسیتی در استخدام و تبعیض جنسیتی در دستمزد - بررسی شد. سپس، رابطه بین رشد اقتصادی و تبعیض جنسیتی آزمون شد. شواهد تجربی این مطالعه در قالب مدل اقتصادسنجی داده‌های ترکیبی برای نمونه‌ای شامل ۲۶ کشور منتخب OECD در دوره زمانی ۱۹۹۰ - ۲۰۱۰ به‌دست آمد. یافته‌های مطالعه حاضر حاکی از آن است که تبعیض جنسیتی در آموزش و در دستمزد اثر منفی و تبعیض جنسیتی در استخدام اثر غیرخطی (از نوع مقعر) بر رشد اقتصادی می‌گذارد.

طبقه‌بندی JEL: O40, J71, C23

واژگان کلیدی: تبعیض جنسیتی، داده‌های ترکیبی، رشد اقتصادی، سرمایه انسانی، کشورهای OECD.

مقدمه

از جمله مباحث جدید، که در تحلیل‌های رشد اقتصادی وارد شده، موضوع زیرساخت‌های اجتماعی^۱ و نهادهاست؛ موضوعی که طیف وسیعی از موضوعات را می‌تواند در خود بگنجاند. به همه آنچه محیط اقتصادی فراروی عوامل اقتصادی را تشکیل می‌دهد زیرساخت اجتماعی می‌گویند (رحمانی، ۱۳۸۹). جنبه‌های مختلفی از جمله نظام حقوقی، سیاست‌های دولتی، سرمایه اجتماعی، اقتصاد سیاسی و انواع تبعیض نمونه‌هایی از زیرساخت‌های اجتماعی است. تعریف کلی تبعیض^۲ عبارت است از: عدم تخصیص یکسان منابع بین گروه‌های مشابه. تبعیض جنسیتی^۳ علیه زنان، طبق تعریف کلاسن و لامانا^۴ (۲۰۰۹)، به هر گونه نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی، استخدامی، سلامت و درآمد- که همگی جزو ارکان رفاه‌اند- گفته می‌شود. تبعیض جنسیتی، طبق تعریف سگینو^۵ (۲۰۰۰)، که مسئله جنسیت را نخست یک متغیر مهم اقتصاد کلان معرفی کرده، عبارت است از: تخصیص منابع غیر یکسان بین زنان و مردان. سگینو می‌گوید این مسئله در جنبه‌های مختلف اقتصاد، از جمله در تفکیک جنسیتی در مشاغل با درآمد، توزیع نامساوی منابع در داخل خانواده، دسترسی غیر یکسان به امکانات آموزشی، دسترسی غیر یکسان به امنیت اجتماعی، تبعیض جنسیتی در بازارهای مالی، دیده می‌شود؛ از آثار نهایی این تبعیض قرار گرفتن زنان در سطحی پایین‌تر از مردان به لحاظ موقعیت اجتماعی، ثروت، سلامت و تغذیه، تحصیلات و ... است. در سال‌های اخیر، یکی از موضوعات مورد بحث سیاست‌گذاران اقتصادی- اجتماعی رابطه بین رشد اقتصادی و تبعیض جنسیتی بوده است. بهبود وضعیت زنان در طی سال‌ها در اروپا هم‌زمان با رشد و توسعه اقتصادی کشورهای اروپایی بوده است. لاگروف^۶ (۲۰۰۳)، در مطالعه‌ای، به بررسی داده‌های مرتبط در طول بازه طولانی تاریخی در اروپا پرداخت. بر اساس نظر لاگروف، توسعه بلندمدت اقتصادی و جمعیتی در اروپا از طریق بررسی بلندمدت وضعیت برابری جنسیتی در کشدنی است. لاگروف، ضمن تبیین تاریخی

-
1. social infrastructure
 2. discrimination (inequality)
 3. gender discrimination (gender inequality)
 4. Klasen & Lamanna
 5. seguino
 6. Lagerlöf

وضعیت زنان در اروپا، بهتر شدن اقتصاد را با بهتر شدن وضعیت زنان به لحاظ برابری هر دو جنس در استفاده از امکانات مرتبط می‌داند.

برای ارائه تعریف دقیق تبعیض جنسیتی، نخست باید به وجه تمایزهای احتمالی این دو جنس در سه بُعد جسمانی، روانی و استعداد توجه کرد. تفاوت‌ها و تمایزهای جسمانی واقعیتی تردیدناپذیر است، زیرا هم‌عینیت خارجی دو جنس زن و مرد و هم‌بررسی‌های علمی آن را اثبات می‌کند. درباره وجود یا فقدان تفاوت معنادار بین زنان و مردان در دیگر زمینه‌ها مطالعات روان‌شناختی فراوانی انجام شده و محققان نظریه‌های گوناگونی مطرح کرده و آن‌ها را آزموده‌اند. نگارندگان این مطالعه از این فرضیه که زنان و مردان در توانمندی‌های هوشی و روانی تفاوت معناداری ندارند استفاده کرده‌اند. شایان ذکر است که، با توجه به تعریف ارائه شده از تبعیض جنسیتی - به معنای فقدان شانس برابر در صورت یکسان بودن ویژگی‌ها و توانایی‌های یکسان - تفاوت‌های جسمانی در این بحث موضوعیت ندارد و تبعیض به‌شمار نمی‌رود. به بیان دیگر، استفاده بیشتر از نیروی کار مردان در کارهایی که به توانایی جسمی بیشتری نیاز است تبعیض علیه زنان و بازدارنده رشد نیست.

موضوع اصلی این مطالعه نحوه اثرگذاری تبعیض جنسیتی (بین زنان و مردان با توانایی‌های یکسان) بر رشد اقتصادی است. فرضیه این مطالعه مبتنی بر این است که تبعیض جنسیتی علیه زنان بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه OECD تأثیر منفی می‌گذارد. برای بررسی این فرضیه، نخست شاخص‌هایی برای تبیین تبعیض جنسیتی تعریف و محاسبه شد. سپس، اثرگذاری هر یک از این شاخص‌ها در معادلات رشد به تفکیک سنجیده شد. مطالعه حاضر ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که باعث تمایز آن از مطالعات پیشین می‌شود. از ویژگی‌های درخور ملاحظه این مطالعه می‌توان به مواردی که در پی می‌آید اشاره کرد: اولاً، در این مطالعه تبعیض جنسیتی در سه بُعد (آموزش، استخدام و دستمزد) بررسی شده است؛ در حالی که در مطالعات پیشین فقط یک یا دو بُعد از تبعیض جنسیتی بررسی شده است؛ ثانیاً، در مطالعه حاضر برای اندازه‌گیری تبعیض جنسیتی در دستمزد یک شاخص جدید معرفی شده است. از نکات مثبت این شاخص می‌توان به تعدیل آن برای سطح تحصیلات برای سنجش بهره‌وری یکسان نیز اشاره کرد. بخش‌های بعدی مقاله به صورت زیر دنبال می‌شود:

در بخش دوم به اختصار به بررسی مبانی نظری و مطالعات تجربی مرتبط با اثر تبعیض جنسیتی بر رشد اقتصادی کشورها پرداخته می‌شود. بخش سوم به معرفی متغیرها و مدل تحقیق اختصاص یافته که شامل معرفی شاخص‌های به‌کارگرفته‌شده برای سنجش میزان تبعیض جنسیتی کشورها و تصریح مدل است. در بخش چهارم شواهد تجربی مطالعه حاضر ارائه و تحلیل می‌شود و در بخش پایانی نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان مدل‌های رشد اقتصادی را به دو گروه برون‌زا و درون‌زا تقسیم کرد. در هر دوی این الگوهای رشد اقتصادی، تفاوت‌های بین‌زمانی و بین‌مکانی تولید سرانه کشورها به پیشرفت تکنولوژی نسبت داده شده است. اگرچه پیشرفت تکنولوژی می‌تواند توضیحی پذیرفتنی برای تفاوت بین‌زمانی تولید سرانه باشد، به ارائه توضیح مناسبی از تفاوت بین‌مکانی تولید سرانه، به علت ازدحام‌ناپذیر بودن دانش، قادر نیست. بنابراین، در ادبیات اقتصادی، به مدل‌های جدیدی که قادر به توضیح تفاوت تولید سرانه مکانی کشورها باشد نیاز شدیدی احساس می‌شود. به منظور رفع این نیاز، برخی مدل‌های رشد اقتصادی با تکیه بر سرمایه‌انسانی و برخی با تکیه بر زیرساخت‌های اجتماعی به تشریح تفاوت مذکور می‌پردازند.

از آنجا که حتی با گنجانیدن سرمایه‌انسانی هنوز بخش زیادی از تفاوت تولید سرانه کشورها بدون توضیح باقی مانده است، طی دو دهه اخیر مدل‌های رشد به تدریج به مطرح کردن مفهومی با عنوان «زیرساخت اجتماعی» پرداخته‌اند. زیرساخت اجتماعی به همه آنچه محیط فراروی عاملان اقتصادی را شکل می‌دهد گفته می‌شود (رومر^۱، ۲۰۱۲). ایجاد زمینه‌ای برابر برای دسترسی به امکانات تحصیل و اشتغال برای زنان و مردان به منزله یک زیرساخت اجتماعی مهم درخور بررسی است. به بیان دیگر، می‌توان تبعیض یا نابرابری‌های جنسیتی را زیرساخت اجتماعی نامطلوبی برشمرد و آثار آن را بر عملکرد اقتصادی کشورها بررسی کرد.

1. Romer

کلاس^۱ (۲۰۰۰) بیان می‌کند که به سبب تبعیض جنسیتی رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. این کاهش به طرقي که در پی می‌آید صورت می‌پذیرد: ۱. ایجاد اختلال در تخصیص منابع به علت تبعیض در آموزش؛ ۲. آثار جانبی مستقیم تبعیض‌ها در آموزش از طریق کاهش کیفیت آموزش نسل بعد؛ ۳. آثار جانبی غیرمستقیم از طریق اثرگذاری بر متغیرهای جمعیتی؛ ۴. ایجاد اختلال در تخصیص منابع به علت تبعیض در اشتغال؛ ۵. ایجاد اختلال در میزان دسترسی به تکنولوژی؛ ۶. محاسبه نادرست حساب‌های ملی به علت ثبت نکردن کار زنان به دلیل تبعیض در اشتغال؛ ۷. آثار تبعیض جنسیتی بر میزان باروری و میزان مرگ و میر کودکان از طریق ارتقایافتن کیفیت بهداشت خانواده.

ابعاد مختلف تبعیض جنسیتی مؤثر بر رشد اقتصادی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱. تبعیض جنسیتی در آموزش؛ ۲. تبعیض جنسیتی در استخدام؛ ۳. تبعیض جنسیتی در دستمزد. تبعیض جنسیتی در آموزش یعنی اینکه زنان و مردان به طور یکسان به امکانات آموزشی دسترسی ندارند. این نوع تبعیض موجب کاهش متوسط سرمایه انسانی در جامعه می‌شود و به عملکرد اقتصاد صدمه وارد می‌کند. حذف دختران پرتوان و جذب پسران کم‌توانا، به صورت جایگزین، موجب کاهش میزان بازدهی آموزش می‌شود (کلاس و لامانا، ۲۰۰۹). اثرگذاری میزان تحصیلات زنان از دو بُعد اهمیت دارد: ۱. تبعیض در شانس دسترسی دختران و پسران به تحصیلات موجب می‌شود که میزان بازدهی آموزش دختران از پسران بیشتر باشد و جامعه از سرمایه‌گذاری در یک دارایی با بازدهی بیشتر خودداری کند که در نهایت کاهش سرمایه انسانی و در نتیجه کاهش رشد را به دنبال خواهد داشت؛ ۲. تحصیلات بیشتر برای زنان باعث کاهش میزان باروری، کاهش مرگ و میر کودکان و افزایش سطح آموزش نسل بعد خواهد شد^۲ (اسکوپر و امبر، ۲۰۱۱).

تبعیض جنسیتی در استخدام به معنای وجود شانس نابرابر در یافتن شغل و استخدام برای زنان و مردان است. این نوع تبعیض از چند جنبه برای رشد اقتصادی مضر است: اول، ایجاد محدودیت در استفاده از استعدادهای خدادادی زنان سبب کاهش

1. Klasen

2. Schober & Winter-Ember

متوسط توانایی نیروی کار می‌گردد. امر موجب کاهش بهره‌وری نیروی کار و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی می‌شود. دوم، از آثار غیرمستقیم تبعیض جنسیتی در استخدام افزایش میزان باروری است که به کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود. سوم، دارا بودن کار و درآمد در بیرون از خانه عامل افزایش قدرت چانه‌زنی زنان در خانواده است. قدرت چانه‌زنی زنان به دلایل زیر بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد: افزایش میزان پس‌انداز؛ افزایش سرمایه‌گذاری‌های بهره‌ور؛ بهبود میزان استفاده از کارت‌های اعتباری و بازپرداخت دیون؛ افزایش سرمایه‌گذاری در زمینه بهداشت؛ آموزش کودکان (در نتیجه افزایش سرمایه انسانی نسل بعد). چهارم، زنان، در قیاس با مردان، تمایل کمتری به فساد اداری و به کارگماری نزدیکان خود و عمل در جهت خلاف شایسته‌سالاری دارند. عوامل مطرح‌شده بر عملکرد اقتصادی اثر منفی می‌گذارد (کلاسن و لامانا، ۲۰۰۹).

تبعیض جنسیتی در دستمزد به معنای دریافت دستمزدهای نابرابر در مشاغل یکسان برای زنان و مردان است. یکی از شاخص‌های بیان نابرابری بین زنان و مردان مسئله اختلاف جنسیتی دستمزد است و در حال حاضر یکی از مسائل مهمی است که اقتصادهای مدرن مبتنی بر مطالعات جنسیتی بر آن تمرکز دارند. این مسئله در گذشته نیز مدنظر پژوهشگران مسائل نابرابری جنسیتی بوده است. مسئله دستمزد فی‌نفسه در تعیین میزان رفاه افراد اهمیت اساسی دارد. همچنین، در دامنه بی‌شماری از تصمیمات افراد درباره مسائل هم‌چون مشارکت در نیروی کار، ازدواج و میزان باروری مؤثر است و در توان چانه‌زنی افراد در خانواده نیز تأثیرات چشمگیری به دنبال دارد.

درباره اختلاف دستمزدهای دریافتی زنان و مردان گفته می‌شود که افزایش این اختلاف آثار منفی زیر را به دنبال خواهد داشت: کاهش میزان اشتغال زنان و افزایش میزان باروری. در نتیجه، رشد اقتصادی متأثر از دو فاکتور مذکور کاهش خواهد یافت. اختلاف جنسیتی دستمزد به علت کاهش پتانسیل نیروی کار باعث کاهش بهره‌وری می‌شود. زنان هنگامی که دستمزد مورد انتظارشان را دریافت نکنند تمایل کمتری به کار خواهند داشت و همین موضوع بر سرمایه انسانی اثر منفی خواهد گذاشت. کاهش دستمزد نسبی زنان موجب کاهش مشارکت زنان در نیروی کار و افزایش میزان باروری می‌شود. در نتیجه، سرمایه انسانی کاهش می‌یابد و موجب کاهش رشد اقتصادی

می‌شود و برعکس (گالور و ویل^۱، ۱۹۹۶). همچنین، درباره چگونگی اثرگذاری درآمد زنان بر تصمیمات خانوار مطالعات بسیاری صورت گرفته است. در این مطالعات نشان داده شده که اگر مادران حق تخصیص منابع در خانواده را داشته باشند، سهم بیشتری به رفاه، سلامت و آموزش اختصاص خواهند داد. تبعیض جنسیتی موجب کاهش قدرت چانه‌زنی زنان در خانوار و، در نتیجه، کاهش سرمایه انسانی نسل بعد به علت کاهش منابع تخصیصی به کودکان می‌شود (اسکویر و امبر، ۲۰۱۱).

در ادامه به مرور برخی مطالعات شناخته‌شده و تأثیرگذار در حوزه موضوع مطالعه حاضر پرداخته می‌شود. ولارت^۲ (۲۰۰۰) با دو رویکرد به بررسی اثر تبعیض جنسیتی بر رشد پرداخت: ۱. حذف کامل زنان از بازار کار موجب کاهش تولید ناخالص داخلی سرانه می‌شود؛ ۲. حذف زنان از مشاغل مدیریتی موجب نابهینگی در تخصیص هوش و ذکاوت و کاهش رشد اقتصادی می‌شود. به سبب مشکل بودن سنجش میزان تبعیض جنسیتی، در این مطالعه متغیر لگاریتم نسبت تحصیلات زنان به مردان در مقطع ابتدایی معیار سنجش تبعیض انتخاب شد. در این مدل، در دوره زمانی ۱۹۶۰ - ۱۹۸۹ برای صد کشور، با روش داده‌های مقطعی، رگرسیون به ظاهر نامرتبط^۳ و حداقل مربعات دومرحله‌ای^۴ صورت گرفت. این مدل به وجود رابطه محدد بین رشد و عدم تبعیض دست یافت. ولارت (۲۰۰۹) در مطالعه مشابه نتایج کار پیشین خود را به‌روز و تقویت کرد.

کلاسن و لامانا (۲۰۰۹) به بررسی مسئله تبعیض جنسیتی و رشد اقتصادی پرداختند. باور ابتدایی نویسندگان بر این مطلب استوار بود که هر گونه نابرابری جنسیتی از منظر عدالت و رفاه مشکل‌ساز است و موجب کاهش رشد اقتصادی کشورها می‌شود. کلاسن و لامانا، در مطالعه‌شان، با روش رگرسیون داده‌های مقطعی بین‌کشوری و روش داده‌های ترکیبی به بررسی میزان اثرگذاری نابرابری‌های جنسیتی در آموزش و استخدام بر رشد اقتصادی در دوره زمانی ۱۹۶۰ - ۱۹۹۲ پرداختند. شواهد حاکی از آن است که هر گونه نابرابری جنسیتی موجب کاهش رشد اقتصادی کشورها می‌شود.

1. Galor & Weil

2. Esteve-Volart

3. SUR= Seemingly Unrelated Regression

4. 2SLS= Two-Stage Least Square

سگینو (۲۰۰۰) به بررسی رشد اقتصادی کشورهای نیمه‌صنعتی صادرات‌محور، که زنان بخش اعظم نیروی کار شاغل در بخش صادرات را تشکیل می‌دهند، پرداخت. فرضیه اولیه او این بود: نابرابری جنسیتی دستمزد برای زنان از طریق اثرگذاری مثبت بر صادرات در رشد اقتصادی اثر مثبت دارد. برآورد مدل یک بار با متوسط‌گیری روی کل دوره زمانی ۱۹۷۵ - ۱۹۹۵ و یک بار با متوسط‌گیری‌های پنج‌ساله صورت گرفت. شواهد نشان می‌دهد که رشد تولید ناخالص داخلی با نابرابری جنسیتی دستمزد رابطه مستقیم دارد. نتایج مطالعه سگینو در تضاد با بررسی‌هایی است که اثر منفی نابرابری درآمد را بر رشد اقتصادی نشان داده‌اند. سگینو^۱ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای دیگر در مقام دفاع از این نتایج، که بسیار از آن انتقاد شده بود، برآمد.

اسکوبر و امبر (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای نخست به نقد مطالعه پیشین سگینو پرداختند. سپس، مطالعه‌ای جامع درباره رابطه تبعیض جنسیتی و رشد اقتصادی انجام دادند. در این مطالعه، مدل ارائه‌شده سگینو با استفاده از داده‌های بین‌المللی قابل قیاس بر اختلاف جنسیتی دستمزد در دوره زمانی ۱۹۷۵ - ۱۹۹۵ با استفاده از روش متارگرسیون مجدداً برآورد شد و نتایج وی تأیید نشد. اسکوبر و امبر در بررسی خود هیچ شواهدی مبنی بر اثرگذاری مثبت تبعیض بر رشد اقتصادی نیافتند و، برعکس، شواهد حاکی از آن بود که تبعیض جنسیتی بر رشد اقتصادی اثر منفی می‌گذارد. فوربز^۲ (۲۰۰۰)، لوتر و همکاران^۳ (۲۰۰۷)، برومنت^۴ (۲۰۰۸) و دلار و گاتی^۵ (۱۹۹۹) نیز مطالعاتی در زمینه تبعیض جنسیتی در آموزش و نحوه اثرگذاری آن بر رشد اقتصادی کشورها انجام دادند. نتیجه نهایی آن‌ها این بود که تبعیض در تحصیلات اثر منفی بر رشد اقتصادی می‌گذارد. کلاسن (۲۰۰۰؛ ۲۰۰۲) با تمرکز بر دو جنبه تبعیض در تحصیلات و استخدام به این نتیجه رسید که هر نوع تبعیض موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود. میتراکانز^۶ (۲۰۰۸)، با الگوبرداری از مطالعه سگینو (۲۰۰۰)، به رابطه مثبت درجه دو بین تبعیض و رشد

-
1. Seguino
 2. Forbes
 3. Balamoune-Lutz & McGillivray
 4. Brumnet
 5. Dollar & Gatti
 6. Mitra-Kahn & Mitra-Kahn

اقتصادی در کشورهای وابسته به صادرات کالا با مهارت ساده کارگری و عکس رابطه مذکور در کشورهایی با ترکیب صادرات کالا با مهارت بالا دست یافت. جدول پیوست ۱ خلاصه‌ای از این مطالعات تجربی را نشان می‌دهد. مجال طرح بیشتر آن‌ها در این بخش نیست.

برای جمع‌بندی می‌توان گفت موضوع تبعیض جنسیتی و نحوه اثرگذاری آن بر رشد اقتصادی کشورها در برخی مطالعات بررسی شده است؛ بیشتر نتایج این مطالعات حاکی از آن است که تبعیض بر رشد اقتصادی کشورها اثر منفی می‌گذارد. هرچند برخی پژوهشگران از جمله سگینو (۲۰۰۰) و بلکر و سگینو^۱ (۲۰۰۲) در مطالعاتشان بر اثرگذاری مثبت تبعیض در شرایط خاص بر رشد اقتصادی تأکید کرده‌اند.

معرفی متغیرها و تصریح مدل

۱. شاخص‌های اندازه‌گیری مفهوم تبعیض جنسیتی

آثار تبعیض جنسیتی در اقتصاد را از چند بُعد می‌توان بررسی کرد. البته، تبعیض جنسیتی آثار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زیادی به دنبال خواهد داشت، ولی در اینجا تمرکز بر آثار اقتصادی است. در مطالعه حاضر از پنج شاخص برای اندازه‌گیری مفهوم تبعیض جنسیتی استفاده شد؛ این شاخص‌ها در آغاز این بخش معرفی خواهد شد. سپس، در بخش دوم به تصریح مدل تجربی مورد استفاده و روش برآورد آن پرداخته می‌شود. در اقتصاد، تبعیض جنسیتی را از سه منظر می‌توان مطالعه کرد: عدم تساوی در فرصت کسب تحصیلات؛ استخدام؛ و دستمزدهای برابر. توضیح اینکه در کلیه مطالعات بین‌المللی انجام‌یافته شاخص‌های نشان‌دهنده تبعیض جنسیتی به صورت نسبت زنان به مردان تعریف شده است. در این مطالعه نیز برای هماهنگی با ساختار کلی مطالعات پیشین از روش مشابه استفاده شد. در این حالت بزرگ‌بودن شاخص‌ها به معنای رفع تبعیض و برابری است.

تبعیض جنسیتی در آموزش - به معنای عدم دسترسی یکسان به امکانات آموزشی - موجب کاهش متوسط سرمایه انسانی در جامعه می‌شود. در مطالعات مشابه برای

1. Blecker & Seguino

نشان دادن تبعیض جنسیتی از «نسبت تحصیلات زنان به مردان در مقطع خاص» یا از «نسبت درصد جمعیت زنان به مردان دارای تحصیلات در مقطع خاص» استفاده شده است. در بسیاری از مطالعات مطرح در این زمینه از نسبت سال‌های تحصیل زنان به مردان در مقطع دبستان یا دبیرستان استفاده شده است. ولی از آنجا که سطح عمومی تحصیلات در کشورهای مورد مطالعه OECD بالاست، در این مطالعه شاخص «درصدی از جمعیت زنان ۱۵ سال و بالاتر که دارای تحصیلات (دبستان، دبیرستان یا دانشگاه) هستند به شاخص مشابه مردان» به عنوان معیار تبعیض جنسیتی در آموزش انتخاب شد. شایان ذکر است که به علت فقدان اطلاعات برای شاخص مذکور از داده‌های سایت بارو و لی^۱ و مطالعات بارو و لی (۱۹۹۳، ۱۹۹۶)^۲ شاخص مربوطه ساخته شد.

تبعیض جنسیتی دستمزد، به معنای دریافت دستمزد نابرابر برای اجرای کارهای مشابه با بهره‌وری یکسان، یکی از پُررنگ‌ترین ابعاد تبعیض است. متأسفانه، سنجش این شاخص مرتبط با دستمزدها در سطح خرد بنگاه‌ها با رعایت اصل بهره‌وری یکسان دشوار است و در بانک‌های اطلاعاتی در این زمینه اطلاعات وجود ندارد. سازمان ملل در دوره‌های جدید گزارش‌های توسعه انسانی^۳ خود به تعریف این شاخص برای برخی کشورها پرداخته است، ولی از آنجا که تعداد دوره‌ها محدود است، در این مطالعه قابل استفاده نیست. به همین منظور، در مطالعه حاضر شاخص جدیدی برای اندازه‌گیری تبعیض جنسیتی در دستمزد معرفی شد. این شاخص تبعیض جنسیتی به صورت «نسبت درصد زنانی که در کار با دستمزد و حقوق مشغول به کارند از جمعیت زنان شاغل به شاخص مشابه مردان» تعریف شده است. افزایش این شاخص نه تنها به معنای افزایش قدرت اقتصادی شاغلان، بلکه به نحوی بیانگر افزایش امنیت اجتماعی^۴ نیز است. اطلاعات «افراد شاغل در کارهایی با حقوق یا دستمزد» از سازمان جهانی کار به دست آمده است و تعریف خود این متغیر به صورت ذیل است:

-
1. www.Barolee.com
 2. Barro & Lee
 3. Human Development Report
 4. social security

افراد شاغل در گروه مشاغل با درآمد دارای قراردادهای با دستمزد یا حقوق به افرادی گفته می‌شود که دارای مشاغلی هستند که به آن‌ها مشاغل با درآمد^۱ گفته می‌شود. این افراد دارای قراردادهای کاری (نوشته یا شفاهی) به صورت صریح یا ضمنی‌اند. در این قراردادها به آن‌ها پاداش پایه‌ای که لزوماً وابسته به میزان بازدهی کارشان نیست پرداخت می‌شود. همچنین، برای بیان اختلاف جنسیتی دستمزد با کیفیت‌های یکسان نیروی انسانی، شاخص ساخته شده با توجه به سطح تحصیلات، که بیانگر کیفیت نیروی انسانی است، تعدیل شده است: نسبت درصد زنانی که در کار با دستمزد و حقوق مشغول به کارند- از جمعیت زنان شاغل به شاخص مشابه مردان- تعدیل شده با متوسط سال‌های تحصیل. شاخص تعدیل شده مذکور را می‌توان شاخصی جدید از تبعیض جنسیتی، که برای نخستین بار در این مطالعه استفاده شده، معرفی کرد.

تبعیض جنسیتی در استخدام و تفاوت در ترجیحات کارفرمایان برای جذب نیروی کار بر اساس جنسیت یکی دیگر از ابعاد تبعیض است. این بُعد تبعیض جنسیتی از چند جنبه برای رشد اقتصادی مضر است. البته، نظریاتی هم وجود دارد مبنی بر اینکه به دلیل مباحث مرتبط با قانون کار زنان و برخی مزایای اجباری^۲، که در قوانین برخی کشورها برای زنان لحاظ شده است، استخدام زنان دارای هزینه اضافه‌تری برای کارفرمایان است و صرفه اقتصادی و تمایل بنگاه‌های اقتصادی را برای استخدام آنان کاهش داده است. بنابراین، برای تعریف و نتیجه‌گیری درباره تبعیض جنسیتی در استخدام باید محتاطانه عمل کرد. متغیری که به عنوان جایگزین در اینجا لحاظ شده «نسبت درصد اشتغال زنان در کل جمعیت زنان ۱۵ سال و بالاتر به شاخص مشابه مردان» است.

شایان ذکر است که در سایت بارو و لی اعداد مرتبط با زیرشاخص‌های مذکور فقط برای زنان و کل جمعیت موجود است. با توجه به اطلاعات جمعیت ۱۵ سال و بالاتر برای زنان و کل جمعیت به تفکیک در سایت مذکور، این زیرشاخص‌ها برای مردان در این مطالعه محاسبه شد (برای لحاظ کردن جمعیت جوان آمارهای جمعیتی ۱۵ سال و بالاتر در قیاس با آمارهای جمعیتی ۲۵ سال و بالاتر به کار گرفته شد).

1. paid employment jobs
2. mandated benefits

۲. تصریح مدل

در این بررسی، با روش داده‌های ترکیبی، از داده‌های ۲۶ کشور منتخب از کشورهای OECD در دوره زمانی ۱۹۹۰ - ۲۰۱۰ استفاده شده است. متغیر وابسته این مدل نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی سرانه است. متغیرهای توضیحی مرتبط با این مطالعه را می‌توان به صورت زیر بیان کرد. در الگوهای رشد و مطالعات مرتبط با رشد بیش از صد متغیر گوناگون مؤثر بر رشد اقتصادی را می‌توان برشمرد. در هر مطالعه، با توجه به موضوع مورد بررسی، مجموعه‌ای از متغیرهای مرتبط انتخاب می‌شود. در این مطالعه نیز متغیرهای مذکور بر اساس این قاعده و با تکیه اصلی بر مدل‌های بارو انتخاب شده است: ابعاد مختلف تبعیض جنسیتی: توضیحات به صورت کامل در بخش ۱ آورده شد.

• متغیر تولید سرانه با وقفه

این متغیر به صورت لگاریتمی و با یک تأخیر زمانی برای سنجش همگرایی شرطی کشورها وارد مدل شده است. بدیهی است برای اثبات همگرایی شرطی مطابق با پیش‌بینی‌های تئوریک مانند مطالعات بارو^۱ و همکاران (۱۹۹۱)، بارو (۲۰۰۳) و مدل‌های داده‌های ترکیبی اسلام^۲ (۱۹۹۵) و نایت^۳ و همکاران (۱۹۹۳) ضریب این متغیر باید منفی باشد.

• متغیر سرمایه‌گذاری

برای نشان‌دادن سرمایه‌گذاری از متغیر «تشکیل سرمایه ثابت به عنوان درصدی از GDP» استفاده شده است. با توجه به تئوری‌های رشد، انتظار می‌رود ضریب این متغیر مثبت باشد یا، به عبارتی، دارای اثرگذاری مثبت بر رشد اقتصادی باشد. در مطالعه جامع بارو (۲۰۰۳) این متغیر به همین صورت در مدل رشد لحاظ شده است. گفتنی است مطالعه بارو (۱۹۹۱) را می‌توان پایه و خاستگاه مطالعات بین‌کشوری رشد معرفی کرد.

• متغیر نشان‌دهنده وضعیت تجارت خارجی و بازبودن کشور

برای نشان‌دادن این متغیر از تقسیم مجموع واردات و صادرات کشور به تولید ناخالص

1. Barro
2. Islam
3. Knight

داخلی استفاده شده است. انتظار بر این بود که این شاخص دارای اثر مثبت بر رشد اقتصادی باشد. شایان ذکر است که این متغیر نیز در مطالعات رشد بارو (۲۰۰۳) به عنوان متغیر توضیحی مدل لحاظ شده است.

• متغیر هزینه‌های مصرفی دولت

برای نشان دادن این متغیر از تقسیم هزینه‌های مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی استفاده شده است. درباره نحوه اثرگذاری این متغیر بر نرخ رشد اقتصادی تئوری‌های مختلفی وجود دارد. برخی تئوری‌ها به اثبات رابطه مثبت و برخی به اثبات رابطه منفی بین هزینه‌های مصرفی دولت و نرخ رشد اقتصاد پرداخته‌اند. بنابراین، در این مطالعه هیچ گونه پیش‌فرضی برای علامت ضریب این متغیر تا قبل از اعمال برآوردها انجام نشده است. در آخرین مطالعه بارو (۲۰۰۳) این متغیر با پیش‌فرض داشتن ضریب منفی لحاظ شده است و نتایج تخمین وی با فرضیه اولیه مطرح‌شده وی در مطالعه سازگار است.

• متغیر رشد جمعیت یا میزان باروری

برای نشان دادن این متغیر از نرخ رشد جمعیت استفاده شده است. درباره نحوه اثرگذاری متغیر رشد جمعیت تئوری‌های مختلفی وجود دارد. در مدل‌های رشد درون‌زا، مانند مدل رشد رومر، با تکیه بر ویژگی‌های نشر دانش و انتقال دانش و تکنولوژی بین کشورهای مختلف، عامل جمعیت تأثیر مثبتی در رشد اقتصادی دارد. شاخص وابستگی جمعیت (نسبت جمعیتی مجموع جمعیت ۰ - ۱۴ سال و ۶۵ سال به بالا به جمعیت در سن کار ۱۵ - ۶۴ سال) با افزایش میزان باروری افزایش می‌یابد. کاهش نیروی کار مولد اقتصاد و افزایش جمعیت سربار اقتصاد - منتج از افزایش میزان باروری - کاهش رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. مدل‌های رشد جدید (مانند مطالعاتی که کلاسن، لامانا، گالور و ویل انجام داده‌اند) به این دلیل قائل به اثرگذاری منفی این متغیر بر رشد اقتصادی‌اند. برای پی‌بردن به نحوه اثرگذاری متغیر مذکور، نیاز به بررسی تجربی وجود دارد و با تکیه بر نظریه نمی‌توان نتیجه‌گیری کرد. بنابراین، در این مطالعه پیش‌فرضی برای علامت ضریب این متغیر تا قبل از اجرای برآوردها انجام نمی‌شود.

• متغیر نشان‌دهنده سرمایه انسانی

برای نشان‌دادن این متغیر از نرخ رشد، درصدی از جمعیت که دارای تحصیلات دبستانی، دبیرستانی یا دانشگاهی هستند با تأخیر زمانی استفاده شده است. برای نشان‌دادن این متغیر در مقالات مختلف، با توجه به دامنه انتخاب کشورها، از متغیرهای گوناگونی استفاده شده است. مثلاً، در مطالعه بارو «بالاترین سطح تحصیلات مردان»، در مطالعه دولار و گتی (۱۹۹۹) «دسترسی استفاده از تحصیلات دبیرستانی» و در مطالعات کلاسن «مجموع تعداد سال‌های تحصیل» لحاظ شده است. در این مطالعه، با توجه به حوزه کشورهای توسعه‌یافته OECD، که در آن‌ها سطح عمومی تحصیلات بالاست، از شاخص ذکرشده در بالا (که از اطلاعات موجود در سایت بارو-لی استخراج و محاسبه شده) استفاده شده است. استفاده از متغیر «نرخ رشد درصدی از جمعیت که دارای تحصیلات دبستانی، دبیرستانی یا دانشگاهی هستند، با تأخیر زمانی» با این استدلال که تأخیر زمانی موجب افزایش سرمایه انسانی می‌شود صورت گرفته است. کلیه داده‌های مورد استفاده در مطالعه حاضر (به‌جز داده‌های مرتبط با آموزش که از سایت بارو-لی اخذ شده است) از پایگاه‌های اطلاعاتی بانک جهانی استخراج شده است.

برآورد الگو و تجزیه و تحلیل نتایج

در این بررسی از داده‌های ۲۶ کشور OECD در دوره زمانی ۱۹۹۰ - ۲۰۱۰ با روش داده‌های ترکیبی استفاده شد. کلیه داده‌ها (به‌جز داده‌های مرتبط با آموزش، که از سایت بارو-لی استخراج شد) از پایگاه‌های اطلاعاتی بانک جهانی استخراج شد. متغیر وابسته این مدل نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی سرانه است. شاخص‌های تبعیض جنسیتی مورد استفاده در مطالعه حاضر با اقتباس از کارهای استادان بنام اقتصاد جنسیتی، مانند سگینو، ولارت و کلاسن تعریف و بعضاً ساخته شد. یکی از وجوه تمایز مهم مطالعه حاضر جامع‌بودن بررسی با توجه به لحاظ‌نمودن تعداد بیشتری از ابعاد تبعیض جنسیتی است؛ به گونه‌ای که در مطالعات پیشین ابعاد سه‌گانه تبعیض جنسیتی یکجا بررسی نشده است. یکی دیگر از وجوه تمایز این مطالعه معرفی شاخصی جدید برای سنجش تبعیض جنسیتی در دستمزد است.

جدول ۱ نتایج کلیه برآوردها را، که با روش آثار ثابت صورت گرفته است، نشان می‌دهد. در هر یک از برآوردها یکی از شاخص‌های تبعیض جنسیتی معرفی شده استفاده شد. گفتنی است برای کلیه رگرسیون‌های مورد مطالعه آزمون‌های آثار ثابت^۱ و هاسمن^۲ انجام شد و نتایج آن‌ها تأییدکننده صحت استفاده از روش داده‌های ترکیبی با آثار ثابت است. همچنین، سنجش مانایی متغیرها با استفاده از آزمون ریشه واحد داده‌های ترکیبی صورت گرفت. چون تعداد اندکی از متغیرها طبق آزمون‌های مربوطه مانا نبودند، برای اطمینان خاطر از کیفیت و دقت برآوردها و به منظور حصول اطمینان از نبود مشکل رگرسیون کاذب برای کلیه معادلات اصلی مدل آزمون هم‌انباشتگی داده‌های ترکیبی نیز انجام شد. با توجه به تعداد متغیرهای موجود آزمون هم‌انباشتگی کائو^۳ انجام شد و نتایج دلالت بر رابطه بلندمدت بین متغیرها دارد. گفتنی است اعداد داخل پرانتز مقادیر احتمال برای بررسی معناداری ضرایب برآورده شده است.

در کلیه برآوردها متغیر «لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه با یک دوره تأخیر»، با داشتن ضریب منفی و معنادار از لحاظ آماری، تأییدکننده فرضیه همگرایی شرطی بین کشورها و مطابق با پیش‌بینی‌های نظری است. ضرایب برآورده شده سایر متغیرهای مدل نیز از جمله «نسبت تشکیل سرمایه خالص به GDP»، «نسبت بازبودن اقتصاد به GDP»، «نرخ رشد جمعیت» و «نرخ رشد درصدی از جمعیت ۱۵ سال و بالاتر که دارای تحصیلات دبستانی، دبیرستانی یا دانشگاهی هستند» - که به عنوان متغیر جایگزین برای سرمایه انسانی لحاظ شده است - همگی، از لحاظ آماری معنادار و با تئوری‌های اقتصادی سازگارند. همچنین، متغیر «نسبت هزینه‌های مصرفی عمومی دولت به GDP» - که در بخش تصریح مدل، به سبب تئوری‌های مختلف درباره نحوه اثرگذاری آن بر رشد اقتصادی، پیش‌فرض خاصی در مورد علامت آن ارائه نشد - در این سری برآوردها دارای علامت منفی و معنادار است و تأییدکننده نظریه‌هایی است که بیانگر اثر منفی این متغیر بر نرخ رشد اقتصادی کشورها هستند.

-
1. Redundant Fixed Effects Tests
 2. Correlated Random Effects - Hausman Test
 3. Kao Residual Cointegration Test

جدول ۱. نتایج برآورد معادلات با استفاده از روش داده‌های ترکیبی با آثار ثابت

متغیر	معادله ۱	معادله ۲	معادله ۳	معادله ۴	معادله الف	معادله ۵
لگاریتم تولید سرانه با وقفه	-۱۹,۰۴ (۰,۰۰۰۰)	-۱۶,۴۸ (۰,۰۰۰۰)	-۱۵,۸۸ (۰,۰۰۰۰)	-۱۵,۵۲ (۰,۰۰۰۰)	-۱۴,۸۵ (۰,۰۰۰۰)	-۱۷,۸۵ (۰,۰۰۰۰)
نسبت تشکیل سرمایه خالص به GDP	۰,۰۰۴۴ (۰,۰۰۰۰)	۰,۰۰۴۷ (۰,۰۰۰۰)	۰,۰۰۴۵ (۰,۰۰۰۰)	۰,۰۰۴۴ (۰,۰۰۰۰)	۰,۰۰۰۴ (۰,۰۰۰۰)	۰,۰۰۴۸ (۰,۰۰۰۰)
نسبت مجموع صادرات و واردات به GDP	۰,۱۳ (۰,۰۰۰۰)	۰,۰۹۶ (۰,۰۰۰۰)	۰,۱۱ (۰,۰۰۰۰)	۰,۱۱ (۰,۰۰۰۰)	۰,۱۱ (۰,۰۰۰۰)	۰,۱۱ (۰,۰۰۰۰)
نسبت هزینه‌های مصرفی عمومی دولت به GDP	-۰,۵۵ (۰,۰۰۰۰)	-۰,۵۷ (۰,۰۰۰۰)	-۰,۴۵ (۰,۰۰۰۰)	-۰,۴ (۰,۰۰۰۰)	-۰,۴۴ (۰,۰۰۰۰)	-۰,۴۵ (۰,۰۰۰۰)
نرخ رشد جمعیت	-۱,۵۲ (۰,۰۰۰۰)	-۱,۶۲ (۰,۰۰۰۰)	-۱,۶۴ (۰,۰۰۰۰)	-۱,۶۶ (۰,۰۰۰۰)	-۱,۷۴ (۰,۰۰۰۰)	-۱,۷۳ (۰,۰۰۰۰)
شاخص سرمایه انسانی	۷۴,۵۹ (۰,۰۰۰۸)	۵۷,۱۱ (۰,۰۰۰۷۸)	۵۲,۱۲ (۰,۰۰۰۳۰۲)	۴۱,۴۶ (۰,۰۰۰۹۹)	۷۴,۱۸ (۰,۰۰۰۱۶)	۲۲,۱۳ (۰,۰۰۰۳۶۹۴)
شاخص تبعیض در آموزش	۶۶,۷۶ (۰,۰۰۰۰)					
شاخص تبعیض در دستمزد	۲۴,۶۹ (۰,۰۰۰۰)					
شاخص تعدیل شده تبعیض در دستمزد			۵,۶۹ (۰,۰۰۰۱۴۰۶)			
شاخص تبعیض در اشتغال				-۳,۷۱ (۰,۰۰۰۳۱)	۷۱,۲۱ (۰,۰۰۰۰۰)	-۷,۷۵ (۰,۰۰۰۲۳۷)
توان دوم شاخص تبعیض در اشتغال					-۵۴,۳۷ (۰,۰۰۰۰۰)	
شاخص تبعیض در آموزش - ترکیبی						۳۴,۷۹ (۰,۰۰۰۰۰)
عرض از مبدأ	۱۲۴,۱۶ (۰,۰۰۰۰۰)	۱۳۹,۷۵ (۰,۰۰۰۰۰)	۱۵۰,۴۹ (۰,۰۰۰۰۰)	۱۵۴,۸ (۰,۰۰۰۰۰)	۱۲۴,۹۲ (۰,۰۰۰۰۰)	۱۴۸,۸۶ (۰,۰۰۰۰۰)
ضریب تعیین	۵۷	۵۷	۵۵	۵۴	۵۶	۵۷

❖ متغیر وابسته کلیه معادلات نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی سرانه است. اعداد داخل پرانتز اعداد احتمال را نشان می‌دهد.

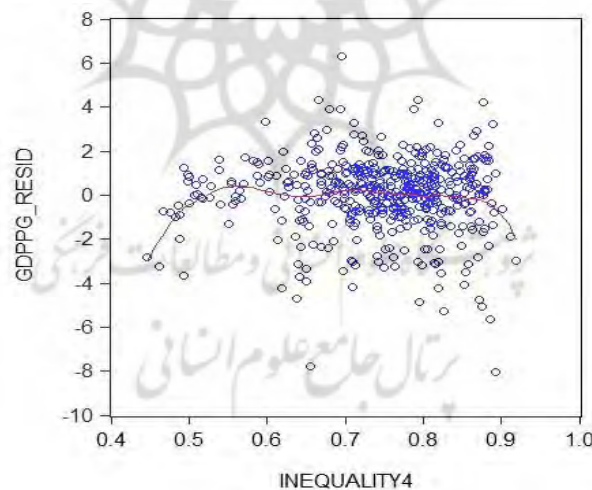
معادله اول، علاوه بر متغیرهای عمومی مدل رشد، شامل متغیر «نسبت درصدی از جمعیت زنان ۱۵ سال و بالاتر که دارای تحصیلات دبستانی، دبیرستانی یا دانشگاهی هستند به درصد مشابه مردان» برای بررسی تبعیض جنسیتی در آموزش است. می‌توان گفت افزایش این شاخص نمایانگر کاهش تبعیض در تحصیلات است. شواهد حاکی از آن است که افزایش برابری در تحصیلات زنان و مردان طبق انتظار دارای اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی است. شایان ذکر است که برآورد مشابه برای گروه سنی ۲۵ سال و به بالا نیز صورت گرفت، ولی به دلیل تشابه و بهتر بودن نتایج معادله ۱ فقط این معادله در جدول نتایج گزارش شد. به منظور توضیح این موضوع، می‌توان گفت شاخص گروه سنی، که افراد جوان‌تر را نیز در بر می‌گیرد، از جامعیت بیشتری برخوردار است و بهتر بودن نتایج را از این منظر توجیه می‌کند.

در معادله دوم به بررسی مسئله تبعیض در پرداخت دستمزدها پرداخته شد. بدین منظور، از شاخص «نسبت زنان به مردان که در مشاغل با دستمزد یا حقوق مشغول به کارند از جمعیت زنان و مردان شاغل» برای این مسئله استفاده شد. افزایش این شاخص نه تنها به معنای افزایش قدرت اقتصادی شاغلان است، بلکه بیانگر افزایش امنیت اجتماعی نیز است. در معادله دوم تخمین مدل با این شاخص صورت گرفت و، همان طور که انتظار می‌رفت، این شاخص اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورها دارد.

در معادله سوم سعی شد شاخص تبعیض جنسیتی معرفی شده در معادله ۲، با توجه به سطح تحصیلات، تعدیل شود و می‌توان آن را به نوعی تبعیض جنسیتی بر مبنای بهره‌وری دانست. بدین منظور، تفاضل متغیر «درصد افراد با حقوق و دستمزد با تعدیل تقسیم بر متوسط سال‌های آموزش کل» برای زنان و مردان استفاده شد. هرچند شواهد تجربی حاکی از اثرگذاری مثبت این متغیر بر رشد اقتصادی است، از لحاظ آماری معنادار نیست.

در معادله چهارم تمرکز بر جنبه تبعیض در استخدام است. متغیر «نسبت درصد اشتغال زنان از کل جمعیت زنان به درصد مشابه برای مردان» به عنوان شاخص تبعیض جنسیتی در استخدام استفاده شد. تبعیض در استخدام در بیشتر کشورها وجود دارد؛ عامل اصلی این نوع تبعیض محدودیت زنان در چانه‌زنی است. از طرفی، همان طور که پیش‌تر اشاره شد، برخی قوانین رفاهی، که به ظاهر برای حمایت از زنان وضع می‌شود، مانند مرخصی زایمان، ساعات کاری کمتر در هفته، در اصل، موجب کاهش تمایل

کارفرمایان برای استخدام زنان می‌شود. در موقعیت یکسان در صورت وجود این قوانین، استخدام زنان به نسبت مردان برای بنگاه‌های اقتصادی هزینه بیشتری در بر خواهد داشت. نکته درخور توجه این است که در سال‌های اخیر بسیاری از قوانین مذکور دستخوش تغییرات شده است. ضریب برآوردشده متغیر «نسبت درصد اشتغال زنان از کل جمعیت زنان به درصد مشابه برای مردان» دلالت بر این دارد که این متغیر بر رشد اقتصادی اثر منفی و معنادار می‌گذارد. به بیان دیگر، افزایش تبعیض علیه زنان و استخدام کمتر زنان رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. با توجه به وجود و صدق رابطه منحنی، که کوزنتس^۱ (۱۹۹۵) آن را مطرح کرده، در بسیاری از مطالعات علوم اجتماعی و بررسی اکتشافی بر رابطه متغیر وابسته با الگوبرداری از روش به‌کارگرفته‌شده بارو (۲۰۰۳) از طریق بررسی «باقی‌مانده‌های تخمین رگرسیون بدون لحاظ‌نمودن متغیر تبعیض جنسیتی»^۲ و «نسبت درصد اشتغال زنان از کل جمعیت زنان به درصد مشابه برای مردان» در شکل ۱ فرضیه وجود رابطه درجه دوم مطرح شد. در معادله ۴ الف رابطه درجه دوم متغیر تبعیض جنسیتی استخدام و رشد اقتصادی بررسی شد. نتایج برآوردها حاکی از وجود رابطه مقعر- مشتق اول مثبت و مشتق دوم منفی- و معنادار بین این دو متغیر است.



شکل ۱. نمودار تحلیل رابطه تبعیض جنسیتی استخدام و رشد اقتصادی

1. Kuznets
2. regression residual

رابطه مقعر بین متغیرهای تبعیض جنسیتی در استخدام و رشد اقتصادی بر این موضوع اشاره می‌کند که در مراحل اولیه رفع تبعیض استخدامی دارای اثر مثبت بر رشد اقتصادی است و در مراحل بعدی بر عملکرد اقتصادی اثر منفی می‌گذارد. این رابطه با توجه به قوانین «مزایای اجباری برای زنان»، که پیش‌تر توضیح داده شد، منطقی و توجیه‌پذیر است. در بیشتر کشورهای OECD، به علت کاهش میزان باروری، قوانین حمایت‌کننده از زنان برای افزایش میزان مولید در بیست سال گذشته وضع شده است. این موضوع موجب افزایش هزینه به‌کارگیری زنان در انتخاب‌های مساوی با مردان برای بنگاه‌های اقتصادی شده است. نکته درخور توجه این است که در سال‌های اخیر با بالا رفتن هرچه بیشتر آگاهی‌ها و قدرت تصمیم‌گیری زنان و فهم این مطلب که به طور مثال «مرخصی زایمان به مدت دو سال» به ضرر عملکرد کلی زنان در اقتصاد است، بسیاری از قوانین مذکور دستخوش تغییر شده است. مثلاً، در بسیاری از کشورهای اروپایی پس از تولد نوزاد به انتخاب والدین یکی از آن‌ها، یا پدر یا مادر، می‌تواند از مرخصی زایمان استفاده کند و بدین طریق سعی شده هزینه فرزندآوری بین زنان و مردان تقسیم شود. وجود و گسترش این قوانین سبب یکسان‌سازی هزینه استخدام زنان و مردان در اقتصاد خواهد شد. در حال حاضر، به دلیل عدم جامعیت اجرای این گونه قوانین تعدیل‌شده، رابطه استخدام زنان و رشد رابطه‌ای مقعر است.

در معادله پنجم، سعی شد ابعاد تبعیض «آموزشی» و «استخدامی» هم‌زمان سنجش شود. از دو متغیر «نسبت متوسط سال‌های تحصیل زنان ۱۵ سال و بالاتر به درصد مشابه برای مردان» و «نسبت درصد اشتغال زنان از کل جمعیت زنان به درصد مشابه برای مردان» به صورت هم‌زمان در معادله استفاده شد. نتایج نشان‌دهنده آن است که در آموزش افزایش شاخص به نفع زنان دارای اثر مثبت بر رشد اقتصادی و در استخدام دارای اثر منفی است.

برای بررسی استحکام نتایج در این مطالعه از روش افزودن چند متغیر کنترلی به مدل و مقایسه ضرایب تخمینی جدید با ضرایب در مدل اصلی استفاده شد. به سبب متنوع بودن مدل‌های رشد و تعدد متغیرهای اثرگذار بر رشد اقتصادی - بیش از ۱۳۰ متغیر گوناگون - در هر مطالعه دامنه‌ای از متغیرهای مرتبط انتخاب می‌شود. به منظور

بررسی استحکام نتایج، در راستای مطالعات انجام شده توسط کلاسن و دیگران (۲۰۰۹)، دلار و دیگران (۱۹۹۹) و بارو (۲۰۰۳)، سه متغیر «امید زندگی»، «نرخ تورم» و «میزان باروری» به مدل اضافه شد و برآوردها با حفظ شکل اولیه مدل مجدداً انجام شد. نتایج حاکی از آن است که ضرایب متغیرها و معنادار آنها با وجود افزودن متغیرهای کنترلی در دو حالت مجزا و توأم تغییرات اندکی داشتند. بنابراین، می توان این نتایج را دلالتی بر استحکام نتایج اصلی این مطالعه برشمرد.

بحث و نتیجه گیری

رابطه بین رشد اقتصادی و تبعیض بین زنان و مردان، به منزله زیرساخت نامناسب اجتماعی، یکی از موضوعات مهمی است که سیاست گذاران اقتصادی- اجتماعی درباره آن به بحث پرداخته اند. از نظر توان بدنی، جنس مذکر در همه موجودات زنده قوی تر است. درباره سایر توانایی ها، در این مطالعه از این فرضیه که زنان و مردان تفاوت معناداری در توانمندی های هوشی و روانی ندارند استفاده شد. بنابراین، تبعیض جنسیتی، به معنای فقدان شانس برابر در صورت یکسان بودن ویژگی ها و توانایی ها، عامل محدود کننده اقتصاد است. در محیط اقتصادی، که زنان دستمزد مورد انتظارشان را دریافت نکنند یا به صورت تلویحی و ضمنی فقط برای اشتغال در مشاغل با دستمزد پایین یا بدون دستمزد استخدام شوند تمایل کمتری به مشارکت در نیروی کار خواهند داشت (تبعیض در دستمزد). از طرفی، در چنین جامعه ای میزان سرمایه گذاری در مورد زنان از جمله سرمایه گذاری در آموزش نیز کاهش خواهد یافت، زیرا در آینده بازدهی مناسبی نخواهد داشت (تبعیض در آموزش). از طرفی، کارفرمایان نیز به استخدام نیروهایی با سرمایه انسانی پایین تر و با بازدهی کمتر تمایل ندارند و این سبب کاهش استخدام زنان می شود (تبعیض در استخدام). با توجه به این باور که زنان و مردان در توانمندی های هوشی و روانی تفاوت معناداری ندارند (ولی به لحاظ توانمندی های جسمی متفاوت اند) و با این فرض که توزیع استعداد و توانایی ها در زنان و مردان به صورت یکسان است و مردان هیچ برتری به لحاظ هوش و استعداد به زنان ندارند، اگر محدودیت خاصی در انتخابها اعمال نشود و فقط شایستگی معیار گزینش باشد، بهترین های هر دو دسته انتخاب می شوند و در این حالت متوسط سطح استعداد افراد در

بالاترین مقدار است. حال اگر محدودیت قراردادی در انتخاب‌ها گنجانده شود (تعداد مردان بیشتری در مجموعه انتخاب گنجانده شود)، متوسط استعداد مجموعه کلی انتخاب‌شده با لحاظ محدودیت جنسیتی پایین‌تر از متوسط مجموعه انتخاب بدون محدودیت می‌شود. پایین آمدن متوسط استعداد و توانایی موجب کاهش متوسط سرمایه انسانی جامعه می‌شود. کاهش سرمایه انسانی نیز بالطبع موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود. امروزه، سازمان‌های غیردولتی بر این موضوع بیشتر تأکید می‌کنند و در زمینه تأثیر وضعیت زنان بر اقتصاد مطالعاتی انجام داده‌اند. همچنین، مؤسسات و مراکز بین‌المللی مهم، از جمله بانک جهانی و سازمان ملل، به راهبری مطالعاتی با تأکید بر آثار وضعیت زنان در اجرای استراتژی‌های رشد و توسعه پرداخته‌اند. همچنین، به صورت هم‌زمان، در بسیاری از کشورها، اعمال سیاست‌ها برای رفع تبعیض علیه زنان در حال اجراست. با تکیه بر یافته‌های مطالعه حاضر، می‌توان از عامل رفع تبعیض‌های جنسیتی برای کمک به بهبود رشد اقتصادی کشورها استفاده کرد.

بیان شد که هدف اصلی این مطالعه بررسی رابطه بین تبعیض جنسیتی و رشد اقتصادی است. باور ابتدایی آن بود که هر گونه تبعیض و نابرابری جنسیتی از منظر عدالت و رفاه مشکل‌ساز است و در رشد اقتصادی کشورها اثر منفی خواهد داشت. بدین منظور، شاخص‌های مختلفی برای سنجش ابعاد مختلف تبعیض جنسیتی مؤثر بر اقتصاد، که شامل تبعیض جنسیتی در آموزش، تبعیض جنسیتی در استخدام و تبعیض جنسیتی در دستمزد است، معرفی شد. سپس، رابطه بین رشد اقتصادی و شاخص‌های بیانگر تبعیض جنسیتی آزمون شد و نتایج تجربی و آزمون فرضیه‌های مطرح‌شده در مطالعه استخراج شد.

شواهد تجربی این مطالعه در قالب مدل اقتصادسنجی داده‌های ترکیبی برای نمونه‌ای شامل ۲۶ کشور OECD در دوره زمانی ۱۹۹۰ - ۲۰۱۰ به دست آمد. یافته‌های مطالعه حاضر حاکی از آن است که تبعیض جنسیتی در آموزش و در دستمزد اثر منفی و تبعیض جنسیتی در استخدام اثر غیرخطی (از نوع مقعر) بر رشد اقتصادی می‌گذارد. بر اساس نتایج مطالعه حاضر، می‌توان پیشنهاد داد که، با انجام دادن اقداماتی در جهت رفع تبعیض جنسیتی، می‌توان راه دست‌یابی به نرخ‌های رشد اقتصادی بالاتر را هموار کرد.

منابع

۱. رحمانی، تیمور (۱۳۸۹). اقتصاد کلان نوین، نشر برادران، تهران.
2. Barro, R.J. (1991). Economic growth in a cross section of countries, The quarterly journal of economics, 106(2), 407-443.
3. Barro, R.J., Sala-i-Martin, X., Blanchard, O.J. & Hall, R.E. (1991). Convergence across states and regions, Brookings papers on economic activity, 1, 107-182.
4. Barro, R.J. & Lee, J.W. (1993). International comparisons of educational attainment, Journal of monetary economics, 32(3), 363-394.
5. Barro, R.J. & Lee, J.W. (1996). International measures of schooling years and schooling quality, The American Economic Review, 218-223.
6. Barro, R.J. (2003). Determinants of economic growth in a panel of countries, Annals of economics and finance, 4, 231-274.
7. Balamoune-Lutz, M. & McGillivray, M. (2007). Gender Inequality and Growth in Sub-Saharan Africa and Arab Countries, ICER Working Papers 25-2007, Turin: International Center for Economic Research (ICER), 1-28.
8. Blecker, R.A. & Seguino, S. (2002). Macroeconomic Effects of Reducing Gender Wage Inequality in an Export Oriented, Semi Industrialized Economy, Review of Development Economics, 6(1), 103-119.
9. Brumnet, Q. (2008). The Effect of Gender Inequality on Growth: A Cross-Country Empirical Study, Honors Projects Paper 88, http://digitalcommons.iwu.edu/econ_honproj/88 (accessed 19 February 2013), 1-36.
10. Dollar, D. & Gatti, R. (1999). Gender inequality income and growth: Are good times good for women?, World bank gender and development working paper, 1, 1-40.
11. Esteve-Volart, Berta (2000). Sex Discrimination and Growth, Working Paper, International Monetary Fund, 84, 1-36.
12. Esteve-Volart, B. (2009). Gender discrimination and growth: Theory and evidence from India, Department of economics, York University publication, 1, 1-53.

13. Forbes, K. (2000). A Reassessment of the Relationship between Inequality and Growth, *American Economic Review*, 90.4, 869-887.
14. Galor, O. & Weil, D.N. (1996). The Gender Gap, Fertility, and Growth, *American Economic Review*, 86, 374-387.
15. Islam, N. (1995). Growth Empirics: A Panel Data Approach, *The Quarterly Journal of Economics*, 110(4), 1127-1170
16. Knight, M., Loayza, N. & Villanueva, D. (1993). Staff Papers - International Monetary Fund, 40(3), 512-541.
17. Klasen, S. (2000). Does gender inequality reduce growth and development? Evidence from cross-country regression, World Bank, working paper, 7, 1-36.
18. Klasen, S. (2002). Low Schooling for Girls, Slower Growth for All? Cross-Country Evidence on the Effect of Gender Inequality in Education on Economic Development, *World Bank Economic Review*, 16.3, 345-373
19. Klasen, S. & Lamanna, F. (2009). The impact of gender inequality in education and employment on economic growth: new evidence for a panel of countries, *Feminist Economics*, 15(3), 91-132.
20. Kuznets, S. (1955). Economic growth and income inequality, *The American economic review*, 1-28.
21. Lagerlöf, N.P. (2003). Gender equality and long-run growth, *Journal of Economic Growth*, 8(4), 403-426.
22. Mitra-Kahn, B.H. & Mitra-Kahn, T. (2008). Gender wage gaps and growth: What goes up must come down, Paper presented at the International Feminist Economics Association Workshop on Inequality, development, and Growth, 18-20 may, United Nations, New York.
23. Romer, D. (2012). *Advanced Macroeconomics*, 4th Edition, New York, McGraw-Hill Higher Education.
24. Schober, T. & Winter-Ebmer, R. (2011). Gender wage inequality and economic growth: is there really a puzzle?, *World development*, 39(8), 1476-1484.
25. Seguino, S. (2000). Gender inequality and economic growth: A cross-country analysis, *World Development*, 28(7), 1211-1230.
26. Seguino, S. (2011). Gender Inequality and Economic Growth: A Reply to Schober and Winter-Ebmer, *World Development*, 39(8), 1485-1487.

پیوست الف. سایر مطالعات تجربی که در متن اصلی مطرح نشده است

مقالات مهم	دوره زمانی	انواع تبعیض	شاخص‌های به کاررفته	روش	خلاصه نتایج
فوربز (۲۰۰۰)	۱۹۶۵ - ۱۹۹۵	تحصیلات	۱. متوسط سال‌های تحصیلات دبیرستانی زنان؛ ۲. شاخص فوق برای مردان	داده‌های ترکیبی GMM	تحصیلات زنان اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارد. در مقابل، اثر تحصیلات مردان بر رشد اقتصادی منفی و بی‌معناست
کلاسن (۲۰۰۰) (۲۰۰۲)	۱۹۶۰ - ۱۹۹۲	۱. تحصیلات؛ ۲. استخدام	۱. نسبت تحصیلات کل زنان به مردان؛ ۲. نرخ رشد اشتغال زنان در کارهای رسمی	داده‌های مقطعی و ترکیبی	هر نوع تبعیض موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود
لوتز و مک گیلواوری (۲۰۰۷) (۲۰۰۹)	۱۹۷۴ - ۲۰۰۱	تحصیلات	۱. نسبت دختران به پسرانی که دارای تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی‌اند؛ ۲. نسبت میزان بی‌سوادی زنان به مردان	داده‌های ترکیبی GMM	تبعیض در تحصیلات به کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود
برومنت (۲۰۰۸)	۱۹۶۵ - ۱۹۸۴	تحصیلات	لگاریتم نسبت تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی زنان به مردان	داده‌های مقطعی	تبعیض در تحصیلات به کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود
میتراکانز (۲۰۰۸)	۱۹۷۵ - ۱۹۹۵	دستمزد	۱. تفاضل لگاریتم دستمزد دریافتی زنان و مردان؛ ۲. تفاضل لگاریتم دستمزدهای تعدیل‌شده با سطح تحصیلات دبیرستانی	داده‌های مقطعی و ترکیبی	رابطه مثبت درجه دو بین تبعیض و رشد اقتصادی در کشورهای وابسته به صادرات کالا با مهارت ساده کارگری و عکس رابطه فوق در کشورهایی با ترکیب صادرات کالا با مهارت زیاد کارگری